

میوه ی صالحین در خیر

سرگذشت سردار شهید سید قاسم سید موسوی

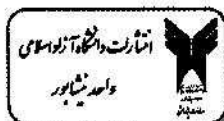
گردآورنده:

ابوالقاسم کمالی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

تابستان ۱۳۹۲

سرشناسه	: کمالی، ابوالقاسم، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: میوه صالحین در عظایات خیر: سرگذشت سردار شهید سیدقاسم سیدموسوی / ابوالقاسم کمالی.
مشخصات نشر	: نیشابور: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۲ص: مصور (رنگی).
شابک	: ۵۰۰۰۰ ریال: ۰۰-۲۶۵۷-۱۰-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: سیدموسوی، سیدقاسم، ۱۳۳۵ - ۱۳۶۲.
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
شناسه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور
زده بندی کنگره	: DSR ۱۶۲۶ / ۸۹۴۵ ۱۳۹۳
زده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۹۶۲۱۸



مجلس شورای اسلامی
از راهبردها، دهان مقدس

میوه صالحین در عظایات خیر، سرگذشت شهید سید قاسم سید موسوی

نویسنده: ابوالقاسم کمالی

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۳

تعداد صفحات: ۱۶۲

قطع کتاب: وزیری

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

چاپخانه: دانشگاه فردوسی مشهد

شابک: ۰۰-۲۶۵۷-۱۰-۹۶۴-۹۷۸

نیشابور - خیابان پژوهش - مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور - دفتر انتشارات واحد

تلفن: ۰۵۱-۴۲۶۲۱۹۰۱-۱۰

حق چاپ محفوظ است.

تلفن تماس: ۰۹۱۵۳۵۲۸۲۲۶

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: تولد و مدرسه	۱
مختصری از زندگی‌نامه‌ی شهید	۲
تولد و کودکی	۲
در مدرسه	۳
قاسم لوک و قاسم بلدوزر	۳
یاور مظلومان	۴
پیش نماز بچه‌ها	۴
عکس شاه و فرح در مدرسه	۴
شاه ظالم لای دیوار	۵
مرض صرع	۶
اتمام دوره ابتدایی و تصدیق ششم ابتدایی	۷
مقصر کیست؟	۸
نقشه قالی یا دعای کمیل	۹
فصل دوم: تشکیل جلسه رضوی و ثمرات آن (حلقه صالحین)	۱۱
دعوت از روحانی فاضل	۱۳
آیه الکرسی و پیاز، حافظه را زیاد می‌کند	۱۴
غش کردن شهید محمد رحمتی در دعای کمیل جلسه رضوی	۱۴
عاشق روحانیت بود	۱۴
دزدیده شدن فانوس امام‌زاده	۱۵
زلزله فردوس	۱۵
عبور از جلو سینما	۱۵
کمک به محرومین	۱۶
از حاج آقا مدتی است هیچ خبر نداریم	۱۶
جلوگیری از مجلس دامادی که می‌خواست مطرب بیاورد	۱۶
نوحه انقلابی	۱۷
هشدار کدخدا و طرفدارانش به بچه‌های جلسه رضوی	۱۸

۱۸	پیمان تا پای جان
۱۹	بچه‌ها واقعاً برادر بودند
۱۹	سخنرانی در جلسه رضوی
۲۰	تشکیل کتابخانه
۲۰	مدیریت زمان
۲۱	فصل سوم: شروع مبارزه
۲۲	انتخابات مجلس فرمایشی شورای ملی
۲۲	خانه کدخدا و امضا گرفتن
۲۳	اعلامیه‌ها را زیر خاک کنید
۲۳	آرزوی قلبی سید قاسم
۲۳	رفتن به مشهد و شرکت در تظاهرات
۲۴	اتحاد عبادی
۲۴	در زمان شاه سربازی نرفت
۲۵	اولین چادرهای بسیج در باغرو و نیشابور
۲۵	تقاضای میل باستانی
۲۶	آموزش چریکی پشت امامزاده سید ابوالقاسم
۲۶	حزب جمهوری اسلامی و عضوگیری
۲۶	نهی از منکر
۲۷	مجلس خواستگاری و سوره یوسف
۲۹	فصل چهارم: ورود به سپاه و حضور در جنگ
۳۰	بی‌سواد پیرو ولایت بهتر از دکترای غرب زده
۳۰	همیشه بیشتر از وظیفه کار می‌کرد
۳۰	میکروفن‌ها را از دشمن بگیرید
۳۱	ترکش‌های کودتای نوژه در نیشابور
۳۱	مواظب تهاجم فرهنگی باشید
۳۱	جماران لذت‌بخش بود
۳۲	پیشنهاد مکبری
۳۲	ساختن مسجدی برای جلسات

۳۳	دستور فرمانده واجب است
۳۴	نگذارید مردم برای اختلافات جزئی به دادگستری بروند
۳۴	حادثه هفت تیر سال و عکس العمل سیدقاسم
۳۴	ساختن حمام
۳۶	کمرها را محکم ببندید
۳۶	سازماندهی بسیج اسحاق آباد
۳۶	به جلوه‌های دنیا توجهی نداشت
۳۷	سیصد متر پشت خیز آمد
۳۷	سید قاسم برایمان شیرینی خرید و پولمان داد
۳۷	عشق سید قاسم به شهید بهشتی
۳۸	پاسگاه عبدالله گیو در سرولایت نیشابور
۳۹	عملیات فتح المبین
۴۰	جزوه‌های گروه دکتر چمران
۴۰	شاهواز و کله پاچه
۴۰	نحوه خودسازی
۴۱	چهره بشاش
۴۱	ایثارگری فرماندهان
۴۱	احترام به سربازان امام زمان (عج)
۴۲	بسیجیان از ته دل او را دوست داشتند
۴۲	تور زیر هلیکوپتر، پر از مواد غذایی بود
۴۳	استفاده کامل از وقت
۴۳	شاداب و شوخ طبع
۴۳	فرمانده سپاه ناحیه نیشابور شد
۴۴	خیانت بنی صدر
۴۴	انتخابات شورای اسلامی
۴۴	پیشگام در حملات
۴۵	گشت شناسایی
۴۵	تکاوران بسیجی و اسیری یکی از فرماندهان عالی رتبه ارتش عراق

۴۵	همین نماز را خداوند قبول می‌کند
۴۵	اهل عمل بود
۴۶	لیخند نماز صبح
۴۶	حسین آقا از ته دل جوش نزن
۴۶	همیشه با وضو بود
۴۶	گفته‌های همسر
۴۸	سید قاسم جامع‌نگر بود
۴۹	امام سمیل عرفان
۴۹	قاری قرآن
۴۹	برخورد با بیت‌المال
۵۰	اهل مشورت بود
۵۰	ترکش زیر چشم
۵۰	در سخنرانی هرگز لکنت زبان نداشت
۵۰	فرمانده بسیار موفق
۵۱	جبهه سعیدیه
۵۳	فصل پنجم: آمادگی شهادت و دیدار یار
۵۵	خواب شهادت
۵۴	خواب مادر و آخرین مرخصی
۵۴	خواب هم‌رزم
۵۴	با روحانیت محشور شد
۵۵	مدیر حقیقی
۵۵	تهاجم فرهنگی
۵۵	آزادی تپه شغالوند در گیلان غرب
۵۶	نباید از امام جلو بیفتیم
۵۶	زیارت عاشورا را از حفظ می‌خواند
۵۶	من مطیع مافوق هستم
۵۶	سعی کنید خط خودتان را به دنیا صادر کنید
۵۷	با ضد انقلاب هم رفتار اسلامی داشت

۵۷	محل ترکش را می‌پوشاند که کسی مطلع نشود
۵۷	همیشه تمیز و خندان بود
۵۸	نماز شب را ترک نمی‌کرد
۵۸	گوشه‌ای از عملیات خیبر و مفقود شدن سید قاسم
۶۸	آغاز دیدار با یار
۶۸	فیض تشییع جنازه
۶۹	مراسم تدفین و زیارتگاه شهید
۶۹	بخش‌هایی از وصیت‌نامه
۷۱	در تشییع جنازه گویای امان‌ها از زمین جوشیده بود
۷۲	سیلی محکمی بر شمر لعین
۷۳	خواهرم تداوم خون فرزند شهیدت با من است
۷۳	عاشق جبهه بود
۷۳	اسیر دلاور
۷۳	سید قاسم همیشه حاضر است
۷۴	پیام برادر شهید
۷۴	خاطره فرزند شهید سید روحا...
۷۵	پیام فرزند بزرگ شهید سید روح‌الله
۷۶	پیام فرزند دیگر شهید، سید مصطفی
۷۷	بخش‌هایی از نامه‌ها و دست نوشته‌ها
۷۹	بخشی از یک نامه
۸۱	فصل ششم: عکس‌ها و تصاویر

بسم رب الشهداء و الصديقين «ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»

سلام و درود بر خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) و اهل بیت طاهرينش (ع)، سلام و درود به روان پاک شهيدان از صدر اسلام تا کنون، سلام و درود به روان پاک امام امت (ره) که با رهبری خردمندانه سبب بيداری ملت عزيز ايران و احیای اسلام ناب محمدی (ص) و بيداری امت اسلامی شد.

در روزگاری که دشمنان اسلام در جبهه‌ی نظامی نتوانستند به نظام مقدس جمهوری اسلامی صدمه‌ای وارد کنند، اینک با تمام توان در جبهه‌های علمی و اقتصادی و فرهنگی به جنگ اسلام عزيز آمده‌اند؛ بر همه‌ی ما واجب است که ایثارگری‌ها و از خود گذشتگی‌های شهدای عزیزمان را که سبب پیروزی و عزت و سربلندی ما شدند، برای نسل جدید و آینده بازگو نماییم؛ تا درسی باشد و الگویی برای پیروزی در جبهه‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی، همچنین در برابر استکبار جهانی و منافقین کور دل. یکی از این اسوه‌های مجاهدت و تقوی، سردار رشید اسلام «سید قاسم سید موسوی» است؛ او که چگونه زیستنش در تمام مراحل زندگی درسی است برای سنین مختلف، لذا بر آن شدیم تا با تماس با کسانی که با شهید، از کودکی و نوجوانی و دوران انقلاب و جنگ تجمیلی همراه بوده‌اند، زندگی‌نامه‌ای تنظیم نماییم؛ باشد تا درسی باشد برای جوانان عزيز و افتخاری در تاریخ که چه عزیزانی برای حفظ اسلام و انقلاب اسلامی از دست داده‌ایم.

در راستای همین هدف، از طرف جناب سرهنگ نوری، مسئول حفظ آثار در شهرستان نیشابور دعوتی به عمل آمد و چند نفر از استادان محترم دانشگاه‌های مختلف جمع شدند و هر یک تقبل نمودند، سرگذشت یکی از سرداران را بنویسند که این‌جانب با توجه به شناخت قبلی که از کودکی تا هنگام شهادت داشته‌ام، نوشتن سرگذشت ایشان، را به عهده گرفته‌ام.

از زحمات جناب سرهنگ محمدیان و منظوری و حسینی و تمام کسانی که در این مدت بنده را یاری کرده‌اند، تشکر می‌نمایم.

ابوالقاسم کمالی

زمستان ۱۳۹۱